

از گوشه و کنار

دولت و حضور زنان در ورزشگاه



معاون رئیس جمهور در امور زنان و خانواده‌با بیان این که بانوان در سطح مسابقاتی همچون والیبال در ورزشگاه حاضر شدند و مسئله خاصی اتفاق نیفتاد، فکر می‌کنیم که حضور آن‌ها در ورزشگاه‌ها به سالم‌سازی محیط‌های ورزشی و رعایت اخلاق بیشتر کمک می‌کنند. اینکار گفت: از هواداران انتظار داریم اخلاق را رعایت و بدین ترتیب به سالم‌سازی فضای ورزشگاه‌ها به‌منظور حضور زنان کمک کنند. او چنین ادامه داد: حضور زنان در ورزشگاه‌ها، یک شوهنامه دارد که در حال پی‌گیری است و امیدواریم اجرایی شده و مناسب‌سازی ورزشگاه‌ها برای حضور بانوان صورت گیرد. وی افزود: در مسابقات جام جهانی فوتبال در سال جاری شاهد حضور خانم‌ها در استادیوم آزادی برای تماشای بازی‌ها بودیم و هیچ مشکل خاصی نیز پیش نیامد و نیروی انتظامی هم همکاری بسیار مطلوبی داشت و به‌منظر بخش مهمی از مسائل حل شده است و به‌نظر نمی‌رسد که مشکلی وجود داشته باشد. معاون رئیس جمهور در امور زنان و خانواده اضافه کرد: تیم‌های بزرگ ورزشی دارای گروه‌های هواداری و تشکل هواداران هستند که این تشکل‌ها باید هوای خانم‌ها را بیشتر داشته باشند و با اشاره به وجود ورزشکاران زن مدال‌آور در کشور، گفت: در بازی‌های آسیایی جاکارتا، ۳۰ درصد از هیأت اعزامی به جاکارتا از زنان تشکیل دادند و ۳۰ درصد از مدال‌ها را نیز آن‌ها به‌دست آوردند، بنابراین نقش خانم‌ها در ورزش را چه به‌عنوان هوادار و چه به‌عنوان ورزشکار، نمی‌شود انکار کرد.

گوشت الاغ با برچسب برزیلی!

این مرد در خانه‌اش، الاغ‌ها را ذبح می‌کرد، و گوشت آن‌ها را با برچسب «برزیلی» به فروش می‌رساند. سید زاسید حسینی، دادستان استان گلستان می‌گوید باین که متهم این پرونده فراری است و دستور دستگیری او صادر شده است؛ ما مردم اطمینان نداشتیم که در پرونده‌هایی که با سلامت و امنیت مردم سروکار دارد باید جدیت و قاطعیت ورود می‌کنیم.

فرونشست یک متری در بای خزر



رئیس سازمان نقشه‌برداری خبر داد به دلیل کاهش بارش‌ها و نیز کاهش ورودی آب از رودخانه‌ها و به‌خصوص حوزه ولگا، سطح آب دریاچه خزر طی دو سال اخیر چهار سانتی‌متر و طی ۱۰ سال اخیر یک متر کاهش یافته و به‌نظر می‌رسد این روند ادامه‌دار خواهد بود. مسعود شفیعی اظهار کرد: طی یک‌دهه گذشته، به‌اندازه ۳۸۰ کیلومتر مربع معادل ۱۲ دریاچه ارومیه در زمان پربایی آن از آب دریای خزر کاسته شده و به‌نظر می‌رسد روند کاهش آن با توجه به داده‌هایی که به‌طور ماهیانه از این حوزه دریافت می‌کنیم، ادامه خواهد داشت.

کمیود تجهیزات پزشکی و

بیماری‌های عفونی خطرناک

مینو محرز، رئیس مرکز تحقیقات ایدز بیمارستان امام خمینی اعلام کرد که کمیود تجهیزات و حتی لوازم معمولی پزشکی که برای کنترل بیماری‌های عفونی است، بسیار مشکل‌ساز شده و خطرناک است. محرز افزود: هم در حوزه تجهیزات و هم در حوزه دارو با کمیود مواجه هستیم، در بخش تجهیزات پزشکی به‌خصوص مواردی که مصرف آن برای کنترل بیماری‌های عفونی است با کمیود مواجه شده‌ایم که موجب بروز مشکلات بسیاری شده است. او در رابطه با دستورالعمل استفاده مجدد از برخی وسایل پزشکی در بیمارستان‌ها، گفت: یک سری از تجهیزات پزشکی بسیار گران است و حتی قبل از این بخشنامه هم استفاده مجدد می‌شد؛ مخصوصاً برای بیماری‌های قلبی. چون قیمت تمام شده آن بسیار گران است. البته بخشی از تجهیزاتی که وارد خون می‌شود، نباید دوباره استفاده شود، چون خاصیت خود را از دست داده و گاهی باستریل ز یاداش می‌شود.

در مدارس ما بیشتر از آن که مهارت‌های زندگی و اجتماعی آموزش داده شود، ریاضی، علوم و... تدریس و آموزش داده می‌شود. جریان عمومی فعالیت مدارس باعث شده که خانواده‌ها هم از مدرسه توقعی جز آموزش دروس تخصصی رانداشته باشند

و مهارت‌های علمی، آموزش شده، بهتر است توانایی‌هایی از جمله: توانایی نه گفتن، برقراری روابط موثر با دوستان و همکلاسی‌ها، انجام کارهای جمعی، توانایی پرسش‌گری، توانایی نقد خود و دیگران، توانایی مقابله با ترس و استرس و مدارا و همزیستی و... به دانش‌آموزان آموخته شود. یادگیری این مهارت‌هاست که باعث می‌شود کودکان امروز در آینده به شهروندانی قانون‌مند، خلاق و پرسش‌گر تبدیل شوند. البته این مهارت‌ها می‌بایست هم در محتوای تمام دروس آورده شود و هم در کلاس همه درس‌ها تمرین گردد تا در دانش‌آموزان درونی شود.

یک خبر عجیب و تمام!

در سال آموزش «مهارت‌های زندگی» در «دانشگاه» اجباری می‌شود!

پیرو تصویب دو واحد درس آموزش مهارت‌های زندگی دانشجویی توسط شورای عالی برنامه‌ریزی درسی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، دفتر مشاوره و سلامت اقدام به جمع‌آوری نظرات متخصصان شاغل در مراکز مشاوره و اساتید این حوزه کرده، تا مفصل‌های پیشنهادی این درس تنظیم و نهایی شود. این دفتر در نظر دارد این مفصل‌ها را در قالب ۱۷ جلسه آموزشی تنظیم کند. در این تنظیمات، مسائل و مشکلات جوانان و دانشجویان امروزی در کنار ملاحظات اجتماعی و فرهنگی در نظر گرفته خواهد شد. در این اقدام، صرفاً مهارت‌های ده‌گانه زندگی که مورد نظر سازمان جهانی بهداشت است، مد نظر نیست و به سایر ابعاد نیز پرداخته خواهد شد.

خوب با توجه به این خبر، به نظر می‌رسد که هم آموزش و پرورش ما و هم وزارت علوم، تحقیقات و فن آوری، هنوز و هم چنان، سر را از سمت گشاد آن می‌نوازند و طبعاً، در هیاهوی چنین صدای ناهنجاری، صدای متخصصانی که باید از آنان در این زمینه مشورت گرفته شود، نه شنیده می‌شود و نه گویا نسبت به وجودشان، احساس نیازی می‌شود. و گرنه، چه‌طور ممکن است، آموزش مهارت‌های زندگی را که باید از دوران کودکی و در دوره ابتدایی، آغاز کرد؛ باین‌گونه دیر کرد، تبدیل به واحد درسی در دانشگاه‌ها کرد، در حالی که شخصیت افراد در این سن، تثبیت شده و میزان تاثیر، تغییر و تربیت‌پذیری فرد، کاهش یافته است.

امروزی مشخص کرده است، شامل ۱۰ مورد است: «توانایی خودآگاهی، توانایی همدلی با دیگران، توانایی تصمیم‌گیری، توانایی حل مسئله، توانایی تفکر خلاق، توانایی تفکر نقادانه، توانایی برقراری رابطه موثر، توانایی برقراری روابط بین فردی، توانایی مقابله با هیجان‌ها و توانایی مقابله با استرس.» دکتر روزبهانی توضیح می‌دهد از نظر سازمان بهداشت جهانی فردی که بخواهد در جوامع امروزی زندگی مطلوبی داشته باشد باید به این توانایی‌ها مجهز شود. در نظام آموزش و پرورش ایران به‌خصوص در دو دهه گذشته، روند تعلیم و تربیت به‌صورتی است که اولویت با آموزش دروس خاصی مانند ریاضی، علوم، فیزیک و شیمی است. حتی در نام‌گذاری این دروس از واژه نامربوط «علوم پایه» استفاده شده و این معنی به ذهن متبادر می‌شود که انگار سایر دروس اهمیت چندانی ندارند چون «پایه» ای نیستند! این نگاه در بین خانواده‌ها، دانش‌آموزان و مسئولان مدارس هم شایع و در نهایت تثبیت شده. این دیدگاه باعث شده مدارس ما، نه مهارت‌محور، بلکه دانش‌محور شوند. منظور من از مهارت در این جا نه مهارت‌های فنی که آن‌ها هم در مدارس ما خیلی اهمیت ندارند، بلکه مهارت‌های زندگی و اجتماعی است. کمتر مدرسه‌ای را می‌توان یافت که قبل از آموزش دروس مصوب آموزش و پرورش و به‌خصوص ریاضی و علوم، بر روی آموزش مهارت‌های زندگی و اجتماعی تمرکز کند. باین وضعیتی که در مدارس ما مشاهده می‌شود، آینده‌پیش‌رو بسیار تاریک می‌شود. روزبهانی معتقد است ما داریم دانش‌آموزانی تربیت می‌کنیم که در زندگی آینده‌شان کاملاً به‌دیگران وابسته هستند و نمی‌توانند مشکلات پیش‌روی‌شان را حل کنند. زیرا نه در خانواده و نه در مدرسه، این مهارت‌ها را آموزش ندیده‌اند. خانواده‌ها این وظیفه را به مدرسه محول کرده‌اند و مدرسه هم از کنار آموزش مهارت‌های زندگی به‌راحتی عبور می‌کند و تمرکزش بیشتر به آموزش دانش‌آموزان برای موفقیت در امتحانات و در نهایت کنکور است.

راه‌هایی از وضعیت موجود

دکتر روزبهانی معتقد است که می‌توان از وضعیت موجود فعلی که در آن شیوه آموزشی غلطی در مدارس رایج است رها شد، رها شدن از این شرایط بستگی به این دارد که وضعیت رقابت موجود در امتحانات و کنکور بین دانش‌آموزان برای کسب موفقیت‌های فردی را از اولویت اهداف خانواده‌ها و سیستم آموزش و پرورش کنار بگذاریم و اولویت را به پرورش دانش‌آموزانی با بالاترین سطح مهارت‌های زندگی و اجتماعی بدهیم. باید در سال‌های نخست تحصیل، بیش و پیش از آن که ریاضی و علوم و سایر دروس

شاخص‌های مهارت‌های زندگی که سازمان بهداشت جهانی آن‌ها را به‌عنوان مهارت‌های مورد نیاز برای زندگی مطلوب در جوامع امروزی مشخص کرده است، شامل ۱۰ مورد است: «توانایی خودآگاهی، توانایی همدلی با دیگران، توانایی تصمیم‌گیری، توانایی حل مسئله، توانایی تفکر خلاق، توانایی تفکر نقادانه، توانایی برقراری روابط بین فردی، توانایی مقابله با هیجان‌ها و توانایی مقابله با استرس.»



دو مورد «مهارت‌های بین فردی و ارتباطی» و «مهارت‌های مقابله‌ای و مدیریت فردی» می‌پسند. «مهارت‌های بین فردی و ارتباطی»، مهارت‌هایی‌اند در رابطه با ارتباط کلامی و غیرکلامی، گوش دادن فعال، و توانایی ابراز احساسات و بازخورد دادن، این دو گروه، مهارت‌های مذاکره، امتناع و رد کردن درخواست دیگران، و مهارت رفتار جرأت‌مندانه. مهارت‌هایی که به فرد کمک می‌کند تعارضات بین فردی را حل کند، همدلی، توانایی گوش دادن و درک نیازهای دیگران نیز بخشی از این دسته مهارت‌ها هستند. کار گروهی، توانایی همکاری با دیگران و توانایی احترام گذاشتن به دیگران هم در این دسته جای می‌گیرند. به این ترتیب، این گروه از مهارت‌ها به‌مقبولیت اجتماعی کمک کرده و پایه‌های رفتار و روابط اجتماعی سالم را بنیاد می‌گذارد.

«مهارت‌های مقابله‌ای و مدیریت فردی»، هسته کنترل درونی را غنی می‌کنند و فرد یاد می‌گیرد که می‌تواند بر محیط اطرافش اثر بگذارد و تغییر ایجاد کند. عزت‌نفس، خودآگاهی، مهارت‌های ارزشیابی خویش، و توانایی تعیین اهداف، بخشی از مجموعه مهارت‌های مدیریت خویش هستند. اگر دیپلمه‌هایی را که در نظام آموزش و پرورش ایران تحصیل کرده‌اند، از نظر شاخص‌های مهارت‌های زندگی بسنجیم در پایین‌ترین سطح قرار خواهند گرفت. حتی در شاخص‌های ابتدایی مهارت‌های زندگی مانند «حوال‌پرسی کردن» و «ارتباط رو در رو با دیگران» وضعیت دانش‌آموزان ما در حد خوبی نیست. شاخص‌های مهارت‌های زندگی که سازمان بهداشت جهانی آن‌ها را به‌عنوان مهارت‌های مورد نیاز برای زندگی مطلوب در جوامع

حفظ شود و از آن نمره مطلوب و قبولی گرفته شود.

مهارت زندگی، یعنی چه؟

سازمان بهداشت جهانی، مهارت‌های زندگی را چنین تعریف کرده است: مهارت‌های روانی-اجتماعی که به ما کمک می‌کنند با نیازها و چالش‌های زندگی روزمره بهتر کنار بیاییم. این سازمان، مهارت‌های زندگی را چنین فهرست و دسته‌بندی می‌کند: تصمیم‌گیری و حل مسئله، تفکر خلاقانه و تفکر نقادانه، مهارت ارتباطی و مهارت مدیریت رابطه، خودآگاهی و همدلی، مدیریت احساسات و هیجانات و مدیریت استرس.

دکتر خلیل غفاری عضو هیئت علمی، به تاریخچه آموزش مهارت‌های زندگی اشاره می‌کند:

آموزش مهارت‌های زندگی در سال ۱۹۷۹ آغاز شد. در این سال یک مجموعه آموزش مهارت‌های زندگی برای دانش‌آموزان کلاس هفتم تا نهم تدوین شد. که با استقبال فراوان متخصصان بهداشت روان مواجه شد. این برنامه آموزشی، به نوجوانان یاد می‌داد که چگونه با استفاده از مهارت‌های رفتار جرات‌مندانه، تصمیم‌گیری و تفکر نقادانه، در مقابل وسوسه یا پیشنهاد سوء‌مصرف مواد از سوی همسالان مقاومت کنند. هدف اصلی، طر‌ای یک برنامه واحد پیشگیری اولیه بود.

در این آزمایش مشخص شد، دانش‌آموزانی که دوره مهارت‌های زندگی را دیده بودند، توانایی بهتر و بیشتری نسبت به دانش‌آموزان دوره ندیده داشتند و در رفتار اجتماعی آنان، بهبود قابل توجهی مشاهده می‌شد. دکتر غفاری، عمده‌ترین مشکلات مهارتی نوجوانان و جوانان ما را در



اصطلاح «مهارت‌های زندگی»، این روزها زیاد به گوش‌مان می‌خورد و اغلب ما با آن، هم آشناییم و هم درگیر. زیرا جامعه امروز ما با نوجوانان و جوانانی مواجه است که از مهارت‌های زندگی فردی و اجتماعی مناسبی برخوردار نیستند. فرزندان ما، در چند دهه اخیر، نه در خانواده و نه در مدرسه، هیچ نوع آموزشی در رابطه با چگونگی روبه‌رو شدن با زندگی و مشکلات و موانع آن نیاموخته‌اند. خیلی از هم‌نسلان ما، به‌خاطر دارند که در دوسه ماه اول شروع سال تحصیلی و در دوره ابتدایی، معلم‌های‌مان، دلسوزانه، انواع راه و روش‌های مواجهه با زندگی را به ما می‌آموختند. حتی ساده‌ترین مسائلی مثل نحوه عبور از خیابان، بر خورد مناسب با والدین و بزرگ‌ترها، نحوه خرید از بقالی... و بله، زندگی فردی و اجتماعی ما را، همین رابطه‌ها و کنش‌های معمولی ریز و درشتی تشکیل می‌دهد که فرزندان امروز ما، نسبت به آن‌ها کمترین آشنایی و مهارتی ندارند.

داستان این معضل چنان پررنگ شده و در سطح جامعه، به‌صورت یک معضل گسترده آمده که در نهایت، خبرش به گوش سنگین آموزش و پرورش هم رسیده، و گویا در حال تدارک برنامه‌ها و تدوین کتاب‌هایی در این زمینه هستند. اما البته اگر قرار باشد به مقوله «مهارت‌های زندگی» دوباره به‌صورت یک درس و برنامه کلاسی و آموزشی نگاه شود و مهارت زندگی، از روی کتاب تدریس شود؛ مسئله و معضل، به‌همین شکل ادامه خواهد داشت؛ درسی که باید

یادداشت

یک هشدار ملی: فرزندان ما، زندگی کردن را نمی‌آموزند!

مهارت‌های زندگی و گوش سنگین آموزش و پرورش

گوهر وجودی گم‌شدگان لب دریا!

آسیه ویسی

نتایج کنکور سراسری امسال، شگفت‌انگیز بود. قبولی‌ها، ما را غافلگیر کردند. ما با قبولی‌هایی مواجه شدیم که در سال‌های گذشته سابقه نداشت. بچه‌هایی که امسال وارد دانشگاه شدند و با رتبه‌های خوب هم وارد شدند، اغلب از مناطق محروم بودند. این که چه‌طور می‌شود دانش‌آموزانی، با کمترین امکانات تحصیلی، و درس خواندن در مدارس کپری، که در هیچ کلاس خصوصی و کمک‌آموزش هم شرکت نکرده‌اند، توانست‌اند، چنین نتایجی به‌دست آورند؛ جای بحث و حتی آسیب‌شناسی دارد. چرا که این روزها، برای بسیاری از کارشناسان جامعه‌شناس، سوال این است که دانش‌آموزان شهرهای بزرگ، تا حد زیادی نسبت به

درس خواندن و ادامه تحصیل بی‌انگیزه شده‌اند. و آن انگیزه و شور و هیجان، به شهرها و روستاها و مناطق محروم کوچ کرده است.

اما خبری که مدیر کل زندان‌های استان تهران منتشر کرد، شگفت‌انگیز تر بود: یکی از مددجویان زندان راجایی شهر که به جرم قتل و با محکومیت قصاص نفس در حال تحمل ۵ سال حبس بود، با قبولی در آزمون کارشناسی ارشد ۹۷، دانشجوی کارشناسی ارشد رشته مهندسی پزشکی یکی از دانشگاه‌های خوب کشور شد. دو زندانی دیگر، ارشد حقوق قبول شدند.

نکته ماجرا در این است که فردی که انسان دیگری را کشته و منتظر قصاص است، خود در رشته‌ای قبول شده که با جان انسان‌ها در ارتباط مستقیم است! و دو نفر دیگر

هم در رشته حقوق پذیرفته شدند که قرار است بسیاری از زندان برهاند!

چرا این افراد، که به‌هر حال مجرم‌اند و یکی از آن‌ها مرتکب قتل هم شده و همه در شرایط سختی از نظر روحی و روانی و محیطی به سر می‌برند؛ با چنین سماجت و جسارت و امیدوی در آزمون شرکت کرده‌اند و از قضا نتایج عالی هم به‌دست آورده‌اند. انسان، در درون خود چه دارد که او را در بدترین شرایط وامی‌دارد که ناگهان مسیر زندگی خود را تغییر دهد و باین تغییر مسیر، انسان دیگری شود؟

بسیاری از ما مستعد «توقف در اولین ایستگاه» یا همان «دائمی‌سازی اولین شکست» هستیم. سرگذشت زندگی پرفراز و نشیب کسانی که بارها زمین خورده و دوباره برخاسته‌اند و یاد شرایط بسیار دشوار یا محدودیت‌های کمرشکن هم چنان امیدوار و فعال باقی مانده‌اند، نشان از نوعی چارچوب شکنی است. و رشک‌ستکی، فلج شدن، طلاق، زندانی شدن، حتی